

## فصلنامه‌ی لسان مبین (پژوهش ادب عربی)

(علمی- پژوهشی)

سال دوم، دوره‌ی جدید، شماره‌ی سوم، بهار ۱۳۹۰

### ویژگیهای علمی تفسیر «المیزان»\*

دکتر عبدالرضا محمد حسین زاده  
استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان  
دکتر عنایت الله شریف پور  
استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

#### چکیده

بی تردید تفسیر کم نظیر «المیزان» از بهترین تفاسیری است که برای قرآن مجید نوشته شده است. گرچه شهرت المیزان، بیشتر به جهت سبک ویژه آن یعنی «تفسیر قرآن به قرآن» میباشد اما باید اقرار نمود، جامعیت مؤلف دانشمند آن در علوم عقلی و نقلی و افق فکری باز و گسترده وی، موجب به ظهور رسیدن مشخصه‌هایی ممتاز و کم بدیل در این تفسیر گردیده که آن را به طور ویژه از جنبه علمی و فنی ممتاز و برجسته ساخته است، اصالت منابع تفسیری و باریک بینی در مقام استفاده از آنها، بهره مندی به دور از افراط و تفریط از اخبار و روایات، اهتمام به سیاق آیات، جمع دو شیوه ترتیبی و موضوعی، باز شناسی روایات تفسیر از روایات جری و تطبیق، نقد محققانه اسرائیلیات، استفاده دقیق از علوم ادبی، بهره گیری از یافته‌های جدید علوم تجربی با پرهیز جدی از تفسیر به رأی و اهتمام منصفانه به یادکرد آرای دیگر مفسران و بسیار امور دیگر، از عوامل برجستگی این تفسیر است که آن را به جایگاهی ممتاز در میان تفاسیر شیعه و سنی از آغاز تا کنون رسانده است.

#### واژگان کلیدی

تفسیر المیزان، جری و تطبیق، تفسیر علمی، منابع تفسیری، تفسیر موضوعی.

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۱/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۳/۱۵

نشانی پست الکترونیکی نویسنده: a- mhosssein zadeh @yahoo.com

۱- مقدمه

طرح موضوع: بی تردید تفسیر گرانسنگ «المیزان» که حاصل اندیشه الهام گونه علامه سید محمد حسین طباطبائی (ره) است، (حسینی تهرانی، ۱۴۲۱: ۷۱) یکی از بهترین تفاسیری است که برای قرآن مجید نوشته شده است (مطهری، ۱۳۶۱: ۸۹)؛ این تفسیر به قدری جالب و به اندازه ای زیبا و دلنشین است که می توان آن را به عنوان سند عقاید اسلام و شیعه به دنیا معرفی کرد، و به تمام مکتبها و مذهبها فرستاد و بر این اساس، آنان را به دین اسلام و مذهب تشیع فرا خواند. این تفسیر در نشان دادن نکات دقیق و حسّاس و جلوگیری از مغالطه کلمات معاندین و نیز در جامعیت منحصر به فرد است و حقاً می توان گفت: از صدر اسلام تا کنون، چنین تفسیری به رشته تحریر در نیامده است. (همان: ۶۶)

بر همگان روشن است، جامعیت مؤلف گرانقدر آن در علوم عقلی و نقلی و افق فکری باز و گسترده وی، که امکان طرح کلیه مسائل مورد نیاز جامعه امروز را در طی بحثهای فلسفی و تفسیری به اسلوب علمی و تحقیقی فراهم آورده، اساس امتیازات این تفسیر است، اما ویژگیهای بعضاً منحصر به فردی که محصول توانایی های والای علمی و روحی علامه طباطبائی (ره) می باشد، وجوه امتیازی را سبب گردیده که آنرا در مجموع از جنبه علمی بی بدیل ساخته است، این نوشتار با برشمردن این مشخصه های علمی تلاش دارد، جایگاه خاص تفسیر متعالی «المیزان» را نشان دهد.

۲- ویژگیها: ویژگیهای برجسته این تفسیر در جنبه های متفاوت زیر قابل ارائه و طرح است:

۱-۲ منابع تفسیری المیزان

علامه طباطبائی (ره) در نگارش تفسیر خود از کتابهای پرشماری بهره گرفته است، از تفاسیر مهم اقدمین گرفته تا تفاسیر مشهور متأخرین، این منابع قریب به سی عدد می باشند که به برخی از آنها اشاره می کنیم: تفاسیر ابن عباس از آیات قرآن (م ۶۸ق)، از برترین مفسران صحابه بعد از امیرالمؤمنان (ع) (مجلسی، ۱۳۴۲، ج ۲۲: ۳۴۳؛ معرفت، ۱۴۱۸، ج ۱: ۲۲۴) جریر طبری (۲۲۴-۳۱۰ ق) معروف به «امّ التفسیر» (سیوطی، بی تا، ج ۲: ۵۹۷)، الکشاف زمخشری (۶۴۷-۵۳۸ ق) استناد علامه به آن همسان «مجمع البیان» است و با استفاده از نکات بلاغی و قواعد نحوی از آن بهره گرفته است. (رک، طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۳۴۱؛ ج ۱۸: ۲۴؛ ج ۱۵: ۳۶۴؛ ج ۳: ۳۱۸؛ ج ۵: ۱۳۶؛ ج ۸: ۱۲؛ ج ۱۶: ۱۷۳)، مجمع البیان طبرسی که در تفسیر آیات و تبیین تعداد زیادی از

واژگان، و نقل روایات نبوی و ائمه (ع)؛ صحابه؛ تابعین و اعراب آیات از آن بهره برده است. (رک، همان، ج ۵: ۳۴۳؛ ج ۹: ۷۲؛ ج ۱۰: ۱۶۴؛ ج ۱۱: ۳۵۵؛ ج ۱۳: ۱۵۶)، مفاتیح الغیب - التفسیر الکبیر - فخر رازی (۵۶۴ - ۶۰۶ ق)، علامه آراء نسبتاً زیادی را از وی نقل نموده و و اکثر آنها را به نقد و تحلیل نهاده است. (رک، همان، ج ۱۶: ۱۲؛ ج ۱۷: ۵۶؛ ج ۴: ۳۸۱؛ ج ۸: ۵۴؛ ج ۱۲: ۱۱؛ ج ۶: ۱۹۸؛ ج ۱۳: ۵۲)، «الدر المنثور» سیوطی (م ۹۱۱ ق)، که می‌توان گفت، نخستین منبع روایی «المیزان» است، «روح المعانی» آلوسی (رک، همان، ج ۱۸: ۲۴؛ ج ۱۷: ۳۵۶؛ ج ۱۶: ۲۱) «الجواهر» طنطاوی (م ۱۳۵۸ ق)، «المنار» رشید رضا، شاگرد طنطاوی، که علامه در بیشتر موارد به نقد و تحلیل آراء این دو تفسیر پرداخته است، «احکام القرآن»، جصاص (م ۳۷۰ ق)، العراطس فی قصص الانبیاء، ابو اسحاق (م ۴۲۷ ق)، «الجامع لاحکام القرآن»، قرطبی (م ۶۷۱ ق)، تفسیر قمی (م ۳۲۹ ق)، «جوامع الجامع» (م ۵۶۱ ق)، تفسیر عیاشی (م ۳۲۰ ق)، الصافی فی التفسیر، فیض (م ۱۰۹۱ ق) تفسیر برهان (م ۱۱۰۷ ق)، «نورالتقلین»، حویزی (م ۱۱۱۲ ق) و بسیاری تفاسیر ارزشمند و مهم دیگر، که به خوبی نشانگر جامع نگری، اشراف و حرص و شوق مؤلف بر تحقیق بهترین آراء تفسیری می‌باشد.

#### ۲-۲- سبک تفسیری علامه (ره)، (تفسیر قرآن به قرآن)

این شیوه تفسیر که مبتنی بر نظریه «استقلال قرآن از غیر قرآن» است تلاش می‌کند جهت استخراج معانی آیات از تدبیر و نگرستن در دیگر آیات که موضوع و محتوای آنها همسان و به هم نزدیک است، بهره ببرد. این روش به اعتقاد برخی قرآن پژوهان به زمان پیامبر (ص) می‌رسد و یادآور سبک تفسیری معصومین (ع) است. (رک، ذهبی، بی تا: ۴۱؛ زمخشری، ۱۴۱۵، ج ۲: ۱۹۳؛ الاوسی، ۱۳۸۱: ۹۱ - ۹۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۱۲؛ ج ۱۷: ۵۶؛ ج ۴: ۳۸۱؛ ج ۸: ۵۴؛ ج ۱۲: ۱۱؛ ج ۶: ۱۹۸ / ج ۱۳: ۵۲) «تفسیر قرآن به قرآن» از سوی مفسرانی از شیعه و اهل سنت در قرن پنجم و ششم مورد عنایت ویژه قرار گرفته است. (رک، خضیر، ۱۴۱۱: ۷۲ - ۷۱)، بدینسان صاحب المیزان مبتکر این سبک نمی‌باشد، اما آنچه در این باب به «المیزان» عظمت ویژه ای بخشیده است، بهره مندی گسترده وی از این شیوه است.

#### ۲-۳- بهره وری از اخبار و روایات به دور از افراط و تفریط

یاری گرفتن از روایات، برای فهم کلام نورانی خداوند اگر «قطعی الصدور» باشند، استوارترین و شایسته ترین نوع تفسیر است، اما متأسفانه سنت قطعی بسیار نادر است آنچه در دسترس ماست سنت غیر قطعی و اخبار آحاد است، از این رو صاحب المیزان

سبک تدبّر و تفسیر قرآن به قرآن را شایسته‌ترین راه برای راهیابی به مفاهیم بلند قرآنی میداند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۸۴)، اما گفتنی است که طرح «استقلال قرآن» برای رهیابی به آموزه‌های بلند قرآنی به معنای نادیده انگاشتن روایات و اخبار نیست بلکه روشی خردمندانه و معتدلانه برای بهره‌گیری از اخبار معصومان (ع) بدور از افراط و تفریط است، چرا که از یک سو در میان نحله‌های تفسیری گرایش افراطی به روش نقلی سبب گشت که اخبار و روایات به صورت غیر عادلانه و بی‌حدّ و حصر در تفسیر قرآن به کار گرفته شود که در این روش نه در خود آیات تدبّر به عمل می‌آید نه از نعمت اندیشه و دانش در درک عمیق مفاهیم کتاب استفاده می‌شود و نه هم روایات از حیث سند و اعتبار تاریخی ارزیابی می‌گردند و نه در دلالت آنها به این یا آن معنا دقت به کار می‌رود و به جای این که قرآن ملاک روایات باشد، روایات معیار و محک آیات تلقی می‌شود گویی که آیات هیچ مصداق دیگری ندارند.

از سوی دیگر بعضی از قرآن‌پژوهان مخصوصاً اهل عصر ما که در دانش‌های مادی فرو غلتیده‌اند و مرعوب تمدن جدید غربی‌اند از این حقیقت که بعضی از روایات تفسیری جزء اسرئیلیات محسوب می‌شوند و خرافاتی، سوء استفاده کرده و روایات جعلی را بهانه قرار داده‌اند و تمام روایات نبوی (ص) را مردود شمرده و جزء تفریطیون به شمار می‌آیند. (همان، ج ۱: ۸).

علامه این دسته را در مقابل اخباریون و اصحاب حدیث قرار می‌دهد که در بهره‌گیری از روایات در تفسیر قرآن افراطی عمل کردند به این معنا که تمام روایات را پذیرفته‌اند حال هر چه می‌خواهد باشد.

اما یکی از ویژگیهای برجسته «المیزان» این است که به روایت یعنی احادیث و اخبار صحیح از پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) و صحابه اهتمام نشان داده، آنگونه که پس از بیان مراد هر آیه با سبک تدبّر قرآن به قرآن، فصلی تحت عنوان «بحث روایی» به نقل و نقد روایات از منابع خاصّه و عامّه اختصاص داده است. البته بدور از افراط و تفریط، آنگونه که در تبیین روایاتی که در نهی از «تفسیر به رأی» وارد شده‌اند مینویسد: «موضوعی که مورد نهی قرار گرفته، استقلال مفسّر قرآن و اعتماد داشتن بر نفس خود بدون رجوع به غیر است و لازمه این نهی آن است که مفسّر برای تفسیر بی‌نیاز از غیر نیست و پر واضح است که آن غیر یا باید «کتاب الهی» یا «سنت» باشد، اما اینکه آن غیر تنها باید «سنت» باشد - چنانکه اخباریون می‌گویند - با قرآن و نیز با خود سنت ناسازگار است چراکه خود سنت مسلمانان را ملزم ساخته که به قرآن مراجعه کنند و برای شناسایی سره از ناسره، آنها را بر قرآن عرضه سازند تا همگونی و ناهمگونی

روایات با قرآن تشخیص داده شود. (همان، ج ۳: ۷۷) لذا صاحب المیزان، بر این باور است که روایات صحیح‌السند را می‌توان به جهت ناسازگاری با قرآن کریم مردود شمرد و در بررسی روایات غیر فقهی، ابتداءً باید موافقت و مغایرت آن با کتاب خدا مورد دقت قرار گیرد و تنها معیار اعتبار روایت همسازی با قرآن کریم است. (همان، ج ۹: ۲۸۱) به همین جهت عادت و روش مفسرانی را که بدون بحث از موافقت و مخالفت کتاب‌سند روایت را مورد بررسی قرار داده و حکم به اعتبار روایت کرده و معنا و مفهوم آن را بر کتاب خدا تحمیل می‌کنند روش صحیحی نمی‌داند. (رک، همان، ج ۹: ۲۸۲)

#### ۲-۴- اهتمام به سیاق آیات در تفسیر قرآن

معمولاً در گفتگوها و نوشته‌های متعارف، قرائن صدر و ذیل عبارت، معنای خاصی به جمله می‌دهد و منظور را محدود می‌کند و این در اصطلاح «سیاق و مساق» خوانده می‌شود و می‌گویند: «سیاق عبارت و یا مساق و سوق کلام، این معنا را افاده می‌کند» (گرامی، بی تا: ۴۶)

بسیاری از مفسران سده چهاردهم، چون سید قطب در «فی ظلال القرآن»، محمد عبده در «المنار»، سعید حوی در «الاساس فی التفسیر» و برخی دیگر این اصل را در تفسیر به کار بسته‌اند؛ اما صاحب المیزان، از این ابزار در فهم آیات قرآن بیش از دیگران سود جسته است، وی برای نقد نگره‌های مفسران، تبیین آرایه ادبی التفات (طباطبایی)، ۱۳۷۴، ج ۴: ۵۷ و ۵۸؛ همان، ج ۵: ۸۵) تفسیر آیات قرآن (همان، ج ۳: ۱۷۷؛ ج ۴: ۳۷۸؛ ج ۵: ۵۱، ج ۵: ۱۱۹) بیان ارتباط و اتصال آیات (همان، ج ۳: ۵؛ ج ۵: ۹۸؛ ج ۵: ۹۹؛ ج ۵: ۱۳۴ و ۱۳۵) بیان سبب نزول (همان، ج ۳: ۲۶۸ و ۲۶۹؛ ج ۱۳: ۱۷۲؛ ج ۵: ۳۳۹) پذیرش و عدم پذیرش روایات تفسیری (همان، ج ۴: ۳۷ و ۳۸؛ ج ۳: ۱۲۰ و ۱۲۱؛ ج ۵: ۱۴۴ و ۱۴۵) عدم پذیرش نسخ (همان، ج ۲: ۲ و ۹؛ ج ۱: ۱۷؛ ج ۲: ۶۰) گزینش قرائت صحیح (همان، ج ۲: ۱۵۹؛ ج ۷: ۱۱۷) بکارگیری صحیح قواعد نحوی (همان، ج ۲: ۳۴۷؛ ج ۱۵: ۲۳۲) روشن سازی معنای واژگان قرآن (همان، ج ۷: ۳۴۵؛ ج ۹: ۳۰۵؛ ج ۱۴: ۲۷۹؛ ج ۱۵: ۳۱۰) مخاطب شناسی در خطاب‌های قرآنی (همان، ج ۱۲: ۳۵؛ ج ۳: ۹۲؛ ج ۵: ۳۷۷) از اصل سیاق بهره گرفته است و در مواردی به صراحت بیان می‌دارد که روشنترین گواه و استوارترین دلیل در دریافت فهم مراد خداوند، توجه به سیاق آیات است. (همان، ج ۶: ۱۱۶) البته باید یادآور شد اجتهادی بودن مبنای علامه در چینش آیات با کاربرد سیاق

در تفسیر مراد الهی ناسازگار نیست زیرا ایشان به اجتهادی بودن ترتیب آیات در تمامیت قرآن باور ندارد. (رک: حسینی طهرانی، ۱۴۲۱: ۴۱۲ و ۴۱۳)

#### ۲-۵- جمع دو شیوه ترتیبی و موضوعی

یکی دیگر از شیوه های تفسیر «المیزان» این است که علاوه بر رعایت ترتیب، در تفسیر آیات قرآن - تفسیر ترتیبی - از تفسیر موضوعی غافل نبوده و هر دو شیوه را با کمال دقت دنبال کرده و تفسیری کم نظیر به جهانیان عرضه داشته است.

در تفسیر موضوعی، «مفسر یک موضوع معین را بر می‌گزیند، آن گاه آیاتی را که در آن موضوع مشترکند فراهم می‌آورد و آنها را تفسیر می‌کند و می‌کوشد تا از مجموع آن آیات، یک نظریه قرآنی در ارتباط با آن موضوع استخراج کند. (حکیم، ۱۴۱۵: ۳۶۲) البته پاسخ به این پرسش که عناوین تفسیر موضوعی را باید تنها از متن قرآن استخراج کرد یا اینکه می‌توان از مسائل دینی و نیازهای فکری، اجتماعی و ... خارج از متن قرآن نیز برگرفت، نظر اخیر رایج و معمول گردیده است. (رک: سجّادی، ۱۳۷۵، ش ۸-۷: ۱۳۰؛ صدر، ۱۴۱۷: ۱۷؛ حسینی طهرانی، ۱۳۲۱: ۶۳).

صاحب المیزان با پذیرش این مبنا که مفاهیم قرآنی در پیوستگی با هم نظام دار هستند و مفاهیم آن ارتباطی سیستمی داشته و دارای یک واحد سازمان یافته می‌باشند، برای موضوعات معارف قرآن، سر فصل های اصلی معرفی می‌کند و بازگشت همه آنها را به چند اصل استوار، توحید نبوت، معاد و شاخه های آنها و آنچه به هدایت بندگان و اصلاح دنیا و آخرت آنها نظر دارد، می‌داند. (رک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۰) و به این ترتیب به تفسیر موضوعی آیات، تحت عناوین «بحث فلسفی»، «بحث اجتماعی»، «بحث اخلاقی»، «بحث علمی» و ... می‌پردازد. (رک: همان، ج ۱: ۱۲، مقدمه) نتیجه المیزان علاوه بر تفسیر ترتیبی و آیه به آیه قرآن کریم، با سبکی دلکش و ستودنی، از تفسیر موضوعی غافل نمانده و مباحث متنوعی را برای تبیین مفاهیم اسلامی و دفاع از عقاید دینی ارائه نموده است.

#### ۲-۶- باز شناسی روایات تفسیر از روایات «جری و تطبیق»

از آنجایی که تطبیق آیات و معارف قرآن کریم بر مصادیقش دامنه ای بس وسیع دارد، آیه ای از قرآن را نمی‌توان به مورد نزولش اختصاص داد، بلکه با هر موردی که با مورد نزول آیه متحد و دارای همان ملاک باشد قابل تطبیق است، این همان چیزی است که در روایات به «جری» قرآن تعبیر شده است، پس «جری» عبارت است از تطبیق مفاهیم برآمده از آیات قرآن بر دیگر مواردی که با آن همسان است با تجرید آن از جزئیات مورد نزول. (رک: مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۴۵)

مرحوم علامه (ره) در تشخیص مفهوم از مصداق کار آزموده بوده است و هرگز تفسیر را با تطبیق خلط نمی‌کردند و اگر روایت معتبری، شأن نزول آیه را بیان می‌کرد و یا بر انطباق محتوای آن بر گروهی از صحابه یا فردی از آنان دلالت می‌نمود هرگز آن را به حساب تفسیر مفهومی نمی‌آوردند - که قضیه از کسوت کلیت بیرون آمده و به صورت شخصی در آید - و می‌فرمودند: «این از باب «جری» است نه تفسیر، و اگر برای آیه جز یک مصداق، فردی دیگر نباشد باز آیه به همان معنای جامع و مفهوم کلی خود تفسیر می‌شود». (جوادی آملی، ۱۳۷۳: ۷۳/۲۳ ش ۳۴۵)

لذا صاحب المیزان با پذیرش این نکته که بخشی از روایات تفسیری از باب «جری» محسوب می‌شوند که شمارگان آن به اعتقاد ایشان به صدها می‌رسد، در بهره‌گیری از این روایات از تندروری و کندروی پرهیز نموده و روش شایسته برگزیده است به این صورت که نه در مفاهیم و معانی روایت جمود ورزیده و گفته باشد، مدلول مطابقی آیات همین است و بس «راه تفریط» و نه مثل بعضی از مفسران علم زده و عقل‌گرا افراطی اندیشیده و بسیاری از معجزات قرآن را به نحوی انکار و یا با یافته‌های غیر قطعی دانش تجربی، تطبیق داده باشد.

#### ۲-۷- نقد اسرائیلیات

یکی از محققان «اسرائیلیات» را اصطلاحی می‌داند که اندیشمندان مسلمان آن را بر مجموعه اخبار و قصه‌های یهودی و نصرانی اطلاق می‌نمایند که بعد از ورود جمعی از یهودیان و مسیحیان به دین اسلام و یا تظاهر آنها به مسلمانی وارد جامعه اسلامی گردیده است. (عبدالحمید، ۱۹۸۲: ۳۱۹؛ و نیز رک: ذهبی، بی تا، ج ۱: ۱۶۵)

از جمله مشکلات جدی تفسیر نگاری، وجود خرافات اسرائیلی، در منابع تفسیری است، و مرحوم علامه (ره) در باز شناسی روایات اسرائیلی، هوشمندترین مفسر و «المیزان» وی پیراسته‌ترین تفاسیر است، ایشان در پرتو آگاهی‌های عظیم و کار آمد خود و با استفاده از داده‌های عقلی و بدیهیات علمی و اسلامی، افسانه‌های اسرائیلی را با ابزارهای گوناگون به نقد کشیده و بر تمامیت آنها مهر بطلان می‌زند. (رک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۵۹ - ۳۶۰؛ همان، ج ۹۱: ۱۳۴؛ همان، ج ۱۳: ۳۶۹؛ ج ۱۵: ۳۸۴) و این قسمت از تفسیر المیزان از بزرگترین خدمات علامه (ره) در عرصه قرآن پژوهی و تفسیر نگاری است.

#### ۲-۸- طرح مباحث ادبی به مقدار نیاز

به گواهی قرآن پژوهان، علوم ادبی یکی از ابزارهای مورد نیاز دانش تفسیر است که مفسر بدون آنها به اهداف و مقاصد انسان ساز خداوند در قرآن نائل نشده و احیاناً در دام «تفسیر به رأی» گرفتار خواهد شد.

علامه مرحوم طباطبایی، در تفسیر گرانقدر خویش، با دقت، جدیت و اهتمام زایدالوصفی، علوم مختلف ادبی مانند: صرف، نحو، دانشهای بلاغی، دانش لغت را به خدمت می‌گیرد تا کاملاً در صراط مستقیم تفسیر قرار داشته باشد و از هر گونه انحراف احتمالی مصون و برکنار بماند. (برای نمونه، رک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۳۸۸؛ ج ۷: ۱۴۰؛ ج ۴: ۲۶۸؛ ج ۷: ۱۴۵؛ ج ۳: ۲۷ و ۲۸؛ ج ۱: ۲۷؛ ج ۷: ۱۸؛ ج ۲۰: ۲۲؛ ج ۴: ۵؛ ج ۵: ۱۲۶ و ۱۲۷؛ ج ۴: ۳۲۱؛ ج ۵: ۹؛ ج ۴: ۵۷ و ۵۸؛ ج ۷: ۸۴ و ۸۵؛ ج ۹: ۱۵۰؛ ج ۲۰: ۲۳؛ ج ۸، ص ۵؛ و ...) توجه و میزان بهره مندی مفسر میزان در این زمینه به گونه ای است که جایگاه ادب عرب را کاملاً برجسته و قابل تأمل نموده است.

#### ۲-۹- بهره گیری از یافته های علوم تجربی، با پرهیز از تندروی و کندروی

جاری کردن اصطلاحات علوم طبیعی و ریاضی و غیره در عبارات قرآنی و یا کوشش در استخراج مطالب غلمی و فلسفی از قرآن یا به عبارت روشنتر، تسلیم کردن تعبیرات قرآنی به مصطلحات علمی، تعبیرات مختلفی از به اصطلاح «تفسیر علمی قرآن» می‌باشد. (ابو حجر، ۱۹۴۱ م: ۶۲) اینگونه از تفسیر موافقان و مخالفانی دارد، که هر کدام با بیان خود از نحوه و روش بهره مندی از آموزه های علوم تجربی، به اثبات و انکار پرداخته اند (رک: مهدوی راد، بی تا: ۴۵؛ بازرگان: ۳۳۰؛ خرمشاهی: ۲۹۴؛ رضایی اصفهانی: ۳۲۵)، خلاصه اینکه، بعضی از منظر «معرفت شناسی» تفسیر علمی را مردود می‌شمارند، به این معنا که حقایق قرآنی، حقایقی است نهایی و قطعی، ولی یافته های علمی گزاره هایی غیر نهایی و غیر قطعی، از این رو برقراری ارتباط میان این دو - معرفت قرآن و معرفت علمی - خطای «روش شناختی» محسوب می‌شود (قطب، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۸۲) حال آنکه، قطعی و نهایی بودن، مقام خود قرآن است نه مقام فهم بشری از قرآن که قطعی و نهایی نیست، از سویی بی اعتمادی و غیر قطعی دانستن تمام نظریه های علمی نیز خطاست که به نسبی گرایی در تمام علوم بشری می‌انجامد. (نفیسی، ۱۳۸۰: ۱۴) به هر حال میتوان گفت: گرچه زبان قرآن علمی به معنای خاص آن نیست ولی نمی‌توان آن را کاملاً بی تفاوت با علم دانست از این رو مهمترین ملاک ما در تفسیر علمی پایبندی به ظواهر آیات است که مراعات شود و دست برداشتن از ظهورآیه یا انصراف به معنای



مجازی آن نیاز به قرینه ای قطعی دارد که البته مسلمات علمی میتواند یکی از قراین باشد . (برای آگاهی بیشتر رک ، معرفت ، ۱۴۱۸ : ۴۱۷ ؛ مکارم شیرازی ، بی تا : ۱۴۷) صاحب المیزان از طرفی به تخطئه و مردود شمردن تندروی در بهره گیری بی ضابطه و ناشی از روحیه « حسّی و پوزیتیویستی » پیروان مذهب « اصالت حسّ » و « تطبیق » نامیدن آن می پردازد (طباطبایی ، ۱۳۷۴ ، ج ۱ : ۷ و ۸) ، از سوی دیگر ، در تفسیر برخی از آیات قرآن از علوم تجربی و نتایج آنها بهره می گیرد . از این رو می توان گفت ، علامه به طور قطع ، استفاده از دانشهای تجربی را مردود نمی شمارد ، بلکه صاحب المیزان ، آیات قرآن و مطالب علمی را به دو دسته تقسیم می کند ؛ آیاتی که تحمل معانی متعدد را دارند و آیاتی که به یک معنای خاص تصریح دارند بنابراین ممکن است چهار گونه تعارض پیش آید : (نفیسی ، ۱۳۸۰ : ۱۰ و ۱۱)

۱) مسلمات علمی مغایر با نصّ قطعی قرآن ؛ در چنین صورتی مانند مسأله هفت آسمان ، علامه از داوری توقف کرده و قضاوت را به آینده و آگاهی های نودر هر دو حوزه وا می گذارد .

۲) مسلمات علمی مخالف با آیات تأویل پذیر ؛ در چنین مواردی امکان تطبیق آیات را می پذیرد و تفسیری متفاوت از آیات ارائه می دهد . (رک: طباطبایی ، ۱۳۷۴ ، ج ۱۰ : ۱۴۹)

۳) فرضیات علمی مخالف با آیات تأویل پذیر ؛ علامه در این موارد نیز ، دلیل « فرضیه علمی » را کافی برای دست برداشتن از ظهور آیه و این که دلیل قرینه برای انصراف به مجاز باشد ، نمی داند . (رک: همان ، ج ۱۶ : ۲۵۶) اما از آنجا که دیدگاه علم را در این باره غیر مسّلم و فرضیه معرفی می کند آن را معتبر برای قرینه واقع شدن برای تأویل آیه نمی داند . (همان ، ج ۴ : ۱۳۴ ؛ و نیز ج ۱۴ : ۲۵۸)

بدین صورت است که صاحب المیزان ، بهره مندی از آموزه های علمی را با رعایت شرایط ویژه ، به دور از افراط و تفریط ، در جایگاه شایسته خود ، به خدمت می گیرد تا مراد آیات بهتر فهم گردد .

#### ۲-۱۰- اهتمام به یادکرد آرای دیگر مفسران و نقد و تحلیل آن

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر گرانسنگ « المیزان » به بیش از ۱۸۰ منبع تفسیری ، روایی ، لغوی ، تاریخی ، علمی ، فرهنگی و اجتماعی و ... مراجعه کرده است ولی هرگز با ساده انگاری به نقل آنها بسنده نکرده ، بلکه تمامت آنها را ، اعم از تفسیری ، روایی ، تاریخی و ... را در پرتو قرآن ، نقد و تحلیل نموده و سره را از ناسره جدا ساخته است ، وی در میان مفسران و قرآن شناسان شیعی آراء تفسیری عالمانی چون طبرسی ، عیّاشی ،

فرات کوفی، علی بن ابراهیم قمی، نعمانی، فیض، بحرانی، و حویزی را نقل کرده و در میان عالمان سنی، دیدگاه‌های دانشورانی چون زمخشری، طنطاوی و قرطبی را یاد کرده و با نگرشی نقادانه در محدوده قرآن و با استناد به آیات همگون و ژرف‌نگری در متن آیه و آیات دیگر و نیز با دیگر ابزار نقد و بررسی آنها را تحلیل کرده و تفسیری مقبول و معقول از آیات ارائه می‌دهد. (رک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۷۹ و ۲۸۰ و ۲۸۱؛ و نیز ج ۲: ۳۵۲ و ۳۵۳؛ ج ۶: ۹؛ ج ۶: ۱۰؛ ج ۱۶: ۳۱۶ و ۳۱۷؛ ج ۱۸: ۴۷؛ ج ۲: ۱۴۹؛ ج ۱: ۴۰۶ و ۳۴۵ و ۳۴۷ و ...)

#### نتیجه

از آنچه تاکنون آمد، بخوبی می‌توان دریافت که تفسیر گرانسنگ المیزان، حقیقتاً بواسطه عظمت شخصیت علمی و جامع‌الاطراف مؤلف آن در علوم مختلف علمی و نقلی و نیز افق فکری باز و گسترده وی و تعهدات علمی و سبک کاملاً محققانه نامبرده در بهره‌مندی از منابع اصیل تفسیری، و همچنین استفاده دقیق از علوم مختلف ادبی، باریک‌بینی و نگاه موشکافانه به روایات تفسیری و جدا سازی آنها از روایات جری و تطبیق و همینطور بهره‌مندی به دور از افراط و تفریط از اخبار، جمع بین دو شیوه ترتیبی و موضوعی در تفسیر، و نقد و باز شناسی اسرئیلیات از حقایق و بکارگیری ضابطه مند آموزه‌های علم جدید در کشف معانی آیات و نیز اهتمام به یادکرد آرای دیگر مفسران و نقد و تحلیل ژرف آنها و بسیار ویژگیهای دیگر، تفسیری کم‌نظیر از جنبه علمی را محقق ساخته و آن را در جایگاهی رفیع در میان تفاسیر قدیم و جدید قرار داده است.

#### کتابنامه

- ۱- ابوحجر، احمد. (۱۹۴۱). «التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان»، نقل از علیرضا ذکاوتی، مجلة الرسالة.
- ۲- الاوسی، علی. (۱۳۸۱). «روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان»، مترجم: حسین میر جلیلی، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- ۳- بازرگان، مهدی. (۱۳۴۳ش). «باد و باران در قرآن»، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۴- حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین. (۱۴۲۱ق). «مهر تابان»، مشهد: انتشارات علامه طباطبایی، چاپ چهارم.

- ۵- جوادی آملی ، عبدالله . (۱۳۷۳ش). «سیره تفسیری مرحوم علامه (ره) در المیزان»، تهران: کیهان ، ش ۵۲۰۹ .
- ۶- حکیم ، سید محمد باقر.(۱۴۱۵ق).«علوم القرآن» ، بیروت : دارالتعارف للمطبوعات، چاپ سوم.
- ۷- خرمشاهی ، بهاءالدین.(۱۳۷۲ش). «قرآن پژوهی» ، تهران ، مرکز نشر فرهنگی مشرق ، چاپ اول
- ۸- خضیر ، جعفر.(۱۴۱۱ق). «تفسیرالقرآن بالقرآن عند العلامة الطباطبایی» ، قم: دارالقرآن الکریم .
- ۹- رضایی اصفهانی ، محمد علی .(۱۳۷۵ش). «تفسیر علمی قرآن» ، انتشارات اسوه ، چاپ اول.
- ۱۰- زمخشری ، محمود بن عمر.(۱۴۱۵ق). «الکشاف» ، تحقیق : مصطفی حسین احمد ، قم : نشرالبلاغه
- ۱۱- ذهبی ، محمد حسین .(بی تا). «التفسیر والمفسرون» ، بی جا.
- ۱۲- سیوطی ، جلال الدین .(بی تا). «الاتقان فی علوم القرآن» ، تحقیق : محمد ابوالفضل ابراهیم ، قم: منشورات رضی
- ۱۳- سجادی ، سید ابراهیم.(۱۳۷۵ش). «شکوفایی تفسیر موضوعی در بستر قرن اخیر» ، فصلنامه پژوهشهای قرآنی ، ش ۸-۷ .
- ۱۴- صدر، محمدباقر.(۱۴۱۷). «المدرسة القرآنية» ، تهران: انتشارات مرتضوی.
- ۱۵- عبدالحمید، محسن.(۱۹۸۲). «آلوسی؛ مفسراً» ، بیروت: دارالکتب اسلامیة.
- ۱۶- طباطبایی ، سید محمد حسین .(۱۳۷۴ش). «المیزان فی تفسیر القرآن» ، جلدهای ۱ تا ۲۰ ، مترجم : سید محمد باقر موسوی همدانی ، قم: دفتر تبلیغات اسلامی .
- ۱۷- قطب ، سید .(۱۳۸۶ش). «فی ظلال القرآن» ، بیروت : دار الاحیاء التراث العربی ، چاپ پنجم.
- ۱۸- گرامی ، محمد علی .(بی تا). «درباره شناخت قرآن» ، نشر شفق .
- ۱۹- مجلسی ، محمد باقر .(۱۳۶۳ق). «مرآة العقول» ، بیروت: دارالکتب الاسلامیة ، چاپ دوم.
- ۲۰- مجلسی ، محمد باقر.(۱۳۴۳ش). «بحارالانوار» ، بیروت: مؤسسه الوفاء ، چاپ چهارم.
- ۲۱- مطهری ، مرتضی .(۱۳۶۱). «احیاء تفکر اسلامی» ، قم: انتشارات اسلامی.

- ۲۲- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۱ش). «شناسایی برخی تفاسیر شیعه». قم:مجله حوزه علمیه، شماره ۲۱.
- ۲۳- معرفت، محمد هادی. (۱۴۱۸ق). «التفسیر و المفسرون»، مشهد: الجامعة الرضویة، چاپ اول.
- ۲۴- مکارم شیرازی، ناصر. (بی تا). «قرآن و آخرین پیامبر (ص)»، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیة.
- ۲۵- مهدوی راد، محمد علی. (بی تا). «نگاهی به تفسیر و روشهای تفسیری (جزوه درسی)»، خراسان: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۲۶- نفیسی، شادی. (۱۳۸۰ش). «تفسیر علمی، بایدها و نبایدها»، تهران: آئینه پژوهش، ش ۷۲ - ۷۱.

## فصلنامه‌ی لسان مبین (پژوهش ادب عربی)

(علمی - پژوهشی)

سال دوم، دوره‌ی جدید، شماره‌ی سوم، بهار ۱۳۹۰

### خصائص «المیزان» العلمية\*

الدكتور : عبدالرضا محمد حسين زاده  
استاذ مساعد فى جامعة شهيد باهنر- كرمان  
الدكتور : عنایت الله شريف پور  
استاذ مساعد فى جامعة شهيد باهنر- كرمان

### الملخص

لاشكَّ أنَّ تفسير «الميزان» من أحسن و أقوم التفاسير التي بين أيدينا، و بما أنَّ في هذا التفسير، يُفسر القرآن بالقرآن، الامر الذي أدَّى إلى شهرة هذا التفسير بين التفاسير الموجودة، و لكن يجب علينا أن ندعن بأحاطة المؤلف العلمية على العلوم العقلية و النقلية كلها. و توسع آفاق أفكاره و سعتها التي صارت آلية مناسبة لظهور تفسير كهذا و من أهم صفات تفسير الميزان البارزة هي الصفة العلمية التي يتحظى الميزان منها. الصفة التي أبرزته من سائر التفاسير الموجودة.

اصالة المنابع و المآخذ، و المداقة في الاستفادة منها، الاجتناب من الافراط و التفریط في الاستفادة من الأخبار و الروايات، و الاهتمام بسياق الآيات، الجمع بين أسلوبين، الأسلوب الترتيبي و الأسلوب الموضوعي، تقد الاحاديث الاسرائيلية، الاستفادة الدقيقة من العلوم الادبية و العلوم التجريبية الجديدة، الاجتناب من التفسير الشخصي و الانتباه لآراء المفسرين الآخرين، تكون من أهم أسباب التميّز الميزان من التفاسير الاخرى، شيعة منها أو غيرها.

### الكلمات الدليلية

تفسير الميزان، الجرى و التطبيق، التفسير العلمى، المنابع التفسيرية، التفسير الموضوعى.

\* تاريخ الوصول: ۱۳۸۹ / ۱۱ / ۱۸

تاريخ القبول: ۱۳۹۰ / ۰۳ / ۱۵

عنوان بريد الكاتب الالكتروني: a- mhissein zadeh @ yahoo.com